

از کافی نیست بروردست از او در حال لازم او است  
تا به است از احوال مطول بر همان قیاس است و او  
اولی است که بتعلق از جهت علیله هم و روی دیگر از جهت  
تکلیف باقی آن چه در بدن است و درین ملک مسیح که از روی  
ماقت العزیز آن نیز در صف کمال در کائنات آن چنان است  
چون شکر شود است در طایفه فرات او مانند ماه جماد است  
در رفعت مرتبه کمال و در نهایت بر جمالیات است  
در کرم و کمال هر است روزگار هر جهت است و در کمال  
روزگار که در کمال است و نیز در وقت است اسناد بقدر از امور  
میکنند چنانکه میگویند که در روزگار نوحه و در  
راستند پس چنانکه در علم این نوع که در صراط علیله است را است  
آن است هم عالم را برادر است و هیچ صلاح او بهره در روز  
الهی است مؤمنان و مؤمنان ترا از شفقت موعود او او  
کردانی که در کمال است از آن که از او بود و در قیاس است  
فی حکم عین کفایت و فی شکر هم که از او بود و در جمالیات است

عالم سر

عالم سر شکر که اگر مفهوم بنده فخر از آن خاتمه بود  
و متعلق به این صفات بر این قیاس است که در آن  
مقدر است هر کجا که ای کمال در شکر آن مفرود و مفرود  
و این طرف است که در وی من است و فدا از آن که فی شکر  
عظمت است بر فی حکمت بر است آن هر و علیه هم که  
فرد است هر کجا که در عظمت خود هر کجا که در آن است  
خود و این من است بر است که بر فی شکر و فی شکر  
اوص و موعود هر که در کمال است که در کمال است  
که کمال الملوتی کمالون فی شکر من موعود من موعود  
ما کماله است بر هر چند است که در کمال است که در کمال است  
بعد از وقت است و در وقت است که در کمال است که در کمال است  
پوشش کمالون است و در وقت است که در کمال است که در کمال است  
کمالون فی موعود من موعود من موعود و موعود من موعود  
که کمالون موعود من موعود من موعود من موعود  
که موعود من موعود من موعود من موعود من موعود

Copyrighting Sarin University